



کدام حمایت؟ کدام تشویق؟

گفت‌وگو با مهندس مهدی کاردان - رئیس هیئت مدیره شرکت کویر سمنان

تهیه و تنظیم: مینا بیانی

چگونه پنبه را تهیه کنیم؟ چک‌ها را باید در اختیار بانک بگذاریم و خرید دین (خرید اوراق و اسناد تجاری به قیمتی کمتر از مبلغ اسمی) انجام دهیم تا امکان تهیه ارز میسر شود ولی به دلیل عدم همراهی سیستم بانکی، تولید در سرآشویی سقوط و افول قرار گرفته است.

صنعت، نقدینگی در اختیار ندارد، تمام محصولات خود را به صورت مدت و با چک فروخته است بدون این که مبلغی دریافت کند، بنابراین از عهده تهیه و تأمین مواد اولیه (داخلی و خارجی) بر نمی‌آید.

مشکل حاد بعدی، نظام تعرفه‌ای کشور است. تعرفه‌های مواد اولیه اعم از پنبه، نخ، پارچه، پوشاک و ... هیچ‌گونه تناسبی با همدیگر ندارند و فواصل بین آنها به درستی رعایت نشده است؛ برای مثال تعرفه نخ و پنبه یکسان است! آیا این موضوع توجیه منطقی دارد؟! باید بپذیریم برخلاف مواد پتروشیمی و نفتی، مزیت نسبی در پنبه نداریم. در این مسیر وضع تعرفه‌های منطقی و صحیح

دیدگاه شما در مورد وضعیت فعلی صنایع کشور چیست و در چه شرایطی صنعتگران به فعالیت ادامه می‌دهند؟

در حال حاضر شاهد رشد تورم همزمان با رکود هستیم یعنی هر روز قیمت محصولات مختلف به دلیل افزایش قیمت مواد اولیه، تحریم، شرایط اقتصادی کشور و ... گران‌تر می‌شود، از سوی دیگر قدرت خرید مصرف‌کنندگان به شدت پایین آمده است و بخش عمده‌ای از معاملات بازار در قالب چک‌های مدت‌دار (۶ ماه یا بیشتر) انجام می‌شود به این ترتیب فاصله بسیار بزرگی در بازار شکل گرفته که نتیجه چندسال گذشته است.

امروز صنعتگران با کمبود نقدینگی دست و پنجه نرم می‌کنند و در این شرایط باید نظام بانکی به کمک تولیدکنندگان بشتابد اما متأسفانه مسئولان بانکی معتقدند به دلیل اجرای سیاست‌های انقباضی امکان حمایت مالی از صنعت را ندارند! پس با این اوصاف تکلیف گردش مالی شرکت‌های تولیدی و صنعتی چیست؟ به‌عنوان یک شرکت ریسندگی

اشاره:

مهندس کاردان عنوان می‌کند «ما (صنعتگران) هیچ‌گونه مشکلی با پرداخت مالیات نداریم اما زمانی که مالیات پرداختی هیچ تأثیری در بهبود روند تولید، تسهیل شرایط و رفاه نسبی مردم به وجود نمی‌آورد؛ تحمل هزینه‌های سنگین مالیات چه توجیهی دارد؟ آیا مالیات صرف رفاه مردم می‌شود؟ وقتی هیچ امکانات و رفاهی وجود ندارد و حتی از امکانات اولیه برق، آب و گاز هم کم‌بهره‌ایم، مالیات بابت چه چیزی پردازیم و اصولاً این مالیات‌ها صرف چه اموری می‌شود؟»

رئیس هیئت مدیره کویر سمنان با اعلام این مطلب که چرا باید انقدر زجر بکشیم؟ چرا از خرید مواد اولیه در مشقت به سر می‌بریم تا فروش و صادرات و این رنج همراه همیشگی ماست؟! و خلاصه چرا اینقدر باید هزینه کنیم؟! اذعان می‌دارد «آرزویم تولید پارچه جینی است که مشتری ژاپنی در برابر کیفیت بسیار بالای آن سکوت کند.»

بزرگ‌ترین حامی تولیدکننده است که آن هم (حداقل در صنعت نساجی و بخش ریسندگی) به شدت آشفته و نابسامان می‌باشد.

متأسفانه نظام تعرفه‌ها بدون توجه و بدون دریافت نظرات کارشناسی تشکل‌های بخش خصوصی و صرفاً بر مبنای تصمیم‌گیری‌های شخصی وضع و اجرا می‌شوند.

نکته بعدی، کمبود نیروی انسانی (اعم از متخصص و غیرمتخصص) در واحدهای تولیدی است و این موضوع گریبانگیر تمام صنایع کشور می‌باشد و مختص نساجی نیست.

در کارخانه کویرسمنان با کسری روزانه ۷۰-۶۰ نفر مواجهیم و حتی بخش‌هایی از کارخانه به دلیل نبود نیروی انسانی متوقف شده است! حتی حقوق پرسنل را ۲۰ درصد بالاتر از حقوق پایه وزارت کار تعیین کردیم اما همچنان نیروی انسانی انگیزه‌ای برای فعالیت در واحدهای صنعتی و تولیدی ندارند و ترجیح می‌دهند در تاکسی‌های اینترنتی، رستوران یا سوپرمارکت‌های بزرگ مشغول کار شوند.

واقعیت این است که حقوق‌های پایه به هیچ وجه کفاف تورم را نمی‌دهد. فردی را می‌شناسم که از ۶ صبح تا ۲ بعداز ظهر در کارخانه کار می‌کند و بعد از آن تا ۹ شب در شیرینی‌فروشی به کار ادامه می‌دهد آیا این فرد بازدهی خاصی در روند تولید دارد؟ آیا سهمی در افزایش راندمان کارخانه ایفا می‌کند؟ طبیعی است با حقوق‌های پایه فعلی اغلب افراد دنبال مشاغل کاذب و دلالی باشند. افراد اغلب خسته‌اند و انرژی و روحیه بالایی برای انجام کار ندارند. بخش عمده نسل جوان هم فقط دنبال کسب درآمد بالا از طریق دنیای مجازی و رسانه‌های اینترنتی هستند و آمادگی کار در صنعت را ندارند، گویی در دنیای دیگری سیر می‌کنند و امکان مکالمه ساده با آنان در برخی موارد مشکل به نظر می‌رسد یا به محض بروز کوچک‌ترین مشکل در محل کار، استعفا می‌دهند! حتی وقتی به آنان اعلام می‌کنیم گوشی همراه را در کمد قرار دهند اصلاً حاضر به قبول این موضوع نیستند و بسیار آشفته می‌شوند.

اصلاح چنین مواردی نیازمند فرهنگ‌سازی صحیح است. متأسفانه اکثر نیروهای انسانی به دنبال این

هستند که با چه راهکار و تمهیداتی مشمول مشاغل سخت و زیان‌آور شوند! اصولاً تعریف این‌گونه مشاغل چیست؟ اداره کار هم به تمام مراجعین رأی می‌دهد و تحت شمول این قانون قرار می‌گیرند. این درست است؟

مشکل بعدی ما در زمینه بحران انرژی، آب، برق و گاز است. طبق یک محاسبه دقیق به این نتیجه رسیدیم طی یکسال به جای ۱۲ ماه، ۱۰ ماه کار می‌کنیم! قطعی برق در تابستان و قطعی گاز در زمستان بحرانی است که تمام تولیدکنندگان کشور با آن مواجهند که این‌که سال گذشته یک‌ماه فعالیت کارخانه ما به دلیل قطعی گاز به طور کامل متوقف شد. چه نهاد و مسئولی خسارت تعطیلی ناخواسته را به صنعتگر می‌پردازد؟ مگر سود کارخانه چقدر است که دو ماه هم تعطیل باشیم؟ با این شرایط تا چند سال آینده اثری از تولید و صنعت باقی می‌ماند؟

حال این شرایط را با کشوری مانند ازبکستان مقایسه نمایید. در حال حاضر تمام پنبه تولیدی خود را به واحدهای ریسندگی اختصاص داده و رشد و توسعه صنایع نساجی این کشور بسیار پرشتاب و چشمگیر است.

جالب است بدانید رئیس انجمن صنایع نساجی ازبکستان در یکی از جلسات انجمن صنایع نساجی



ایران، صنعتگران ایرانی حاضر در جلسه را دعوت به سرمایه‌گذاری در کشور خود و اختصاص تسهیلاتی همچون وام ۱۰ ساله با ۲ سال تنفس، بهره ۵ درصدی، تقبل ۱۰ درصد از هزینه خرید ماشین‌آلات و مالکیت صد درصدی می‌کند! آیا آنان به ما هم اجازه می‌دهند تا در جلساتشان از سرمایه‌گذاران ازبک

جهت سرمایه‌گذاری دعوت به عمل آوریم؟ تمام این موارد که اشاره شد، مشکلات اساسی ماست و گرنه صدها دردرس دیگر هم وجود دارد. مثلاً برای خرید پنبه مجبوریم پول را به صورت نقدی داخل چمدان به واسطه در دوی بدهیم! در حالی که اصلاً نمی‌دانیم اگر اصل پول از بین رفت یا فروشنده، پنبه‌ای در اختیارمان قرار نداد؛ چه باید کرد...

تمام فرایند تولید محصولات از ابتدا تا انتها همراه ریسک‌های بالاست این چه تولید و صنعتی است؟ مگر در دنیای امروز می‌توان پول خرید مواد اولیه را چمدانی حمل و نقل کرد! مگر قاچاقچی مواد مخدر هستیم؟! اگر پنبه ارسالی بی‌کیفیت باشد، تکلیف چیست؟ تا چند سال می‌توانیم به این شکل ادامه دهیم؟

مشکلات مربوط به بیمه و مالیات و امثالهم را هم فراموش کنید آنها در واقع یک پروژه برای شرکت‌ها محسوب می‌شوند تا مشکل!

ما (صنعتگران) هیچ‌گونه مشکلی با پرداخت مالیات نداریم اما زمانی که مالیات پرداختی هیچ تأثیری در بهبود روند تولید، تسهیل شرایط و رفاه نسبی مردم به وجود نمی‌آورد؛ تحمل هزینه‌های سنگین مالیات چه توجیهی دارد؟ آیا مالیات صرف رفاه مردم می‌شود؟ وقتی هیچ امکانات و رفاهی وجود ندارد و حتی از امکانات اولیه برق، آب و گاز هم کم‌بهره‌ایم، مالیات بابت چه چیزی پردازیم و اصولاً این مالیات‌ها صرف چه اموری می‌شود؟ به نظر من برای بهبود صنعت کشور باید سیاست‌های کلان مملکتی تغییر کند.

◀ چند سال است به طور حرفه‌ای در صنعت نساجی به فعالیت می‌پردازید و زمانی که وارد این صنعت شدید، شرایط چگونه بود؟

اگرچه در رشته مدیریت بازرگانی و اقتصاد تحصیل



HVI موجود است و تمام پنبه‌هایی که وارد کارخانه می‌شوند، مورد آزمایش قرار می‌گیرند. ما که مشکلی با خرید پنبه با کیفیت داخلی نداریم و اتفاقاً خرید از پنبه کار ایرانی به مراتب آسان‌تر از واردات پنبه است اما چه اجباری برای خرید پنبه بی کیفیت یا نامناسب برای تولید نخ‌های ظریف وجود دارد؟!

۴ با این اوصاف از نوسازی و بازسازی

خطوط تولید و ماشین‌آلات صحبتی باقی می‌ماند؟ برخی از صنعتگران نساجی معتقدند در ایتامی میلان ۲۰۲۳، سهم ما فقط تماشای ماشین‌آلات بود و بس! حال به خاطر تحریم‌ها؛ حال به خاطر کمبود منابع مالی برای تهیه ماشین‌آلات مدرن...

به نظرم آنقدر مشکلات اساسی و پایه‌ای فراوان است که خرید ماشین‌آلات در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرد. بله در ایتامی میلان از غرفه‌های بسیاری بازدید به عمل آوردیم اما بعضی شرکت‌ها تمایل صحبت با ما را نداشتند و می‌گفتند با ایران امکان کار نداریم، طبعاً هیچ تجارت و معامله‌ای هم انجام نمی‌دهند... واقعاً مایه شرم و تأسف بود شرکتی پذیرای نبود که سال‌های گذشته چند میلیون دلار از آن ماشین‌آلات خریده بودیم. با مسئولان غرفه هم بحث کردم و گفتم: «اروپا صنعت نساجی ایران را تحریم نکرده و این تحریم صرفاً مختص آمریکاست چرا از فروش دستگاه و خدمات پس از فروش به ما خودداری می‌کنید؟» پاسخ دادند: «به دلیل روابط تجاری و اقتصادی با آمریکا، تمایل و انگیزه‌ای به همکاری با ایران ندارند»

هزارتنی مواجهیم که باید از طریق واردات جبران شود. سوال اینجاست چقدر از این ۷۰ هزارتن پنبه در کارخانه‌های نساجی (برای تولید نخ‌های ظریف) قابل استفاده است و از نظر کیفی در چه سطحی قرار دارند؟ به اعتقاد من بخش عمده‌ای از پنبه‌های کشور صرف تولید نخ‌های ضخیم می‌شوند و برای تولید نخ‌های ظریف و نازک قابل استفاده نیست.

۴ با توقف صادرات پنبه از یک به ایران،

پنبه مورد نیاز را از کدام کشور تهیه می‌کنید؟ عمده پنبه وارداتی ما در کارخانه از تاجیکستان و یونان تهیه می‌شود. مدتی هم از پنبه برزیل استفاده کردیم اما کیفیت مطلوب و ایده‌آل ما را نداشت. پنبه‌های بسیار خوبی در آفریقا وجود دارد ولی به دلیل محدودیت سیستم‌های بانکی قادر به معامله با آنها نیستیم

اگر به ترکیه سری بزنید متوجه خواهید شد پنبه از اقصی نقاط دنیا در بازار این کشور قابل دسترس است و شما فقط انتخاب می‌کنید کدام پنبه مناسب واحد تولیدی شماست. ولی ما باید پول چمدانی به واسطه یا صراف بسپاریم و بماند که مشخص نیست پنبه با کیفیت در اختیارمان قرار خواهد گرفت یا خیر!

کشاورزان ادعا می‌کنند که پنبه مرغوب و باکیفیت در اختیار دارند اولاً کیفیت آن باید توسط دستگاه‌های تست پنبه (HVI) مشخص شود و مورد تأیید قرار گیرد. چرا رقم بندی پنبه در وزارت جهاد کشاورزی همچنان به صورت قدیمی و دستی انجام می‌شود و همچنان ما را وادار می‌کنند هر نوع پنبه با هر کیفیتی را قبول کنیم؟ در کارخانه کویرسمنان دستگاه

کرده‌ام اما به طور رسمی ۱۰ سالی است که در صنعت نساجی مشغول کار هستیم. احساس می‌کنم اتفاقات ناخوشایندی در آینده نزدیک رخ خواهد داد چون همان طور که اشاره شد، صنعتگران و سرمایه‌گذاران از لحاظ نقدینگی کنترلی بر عملکرد خود ندارند و اصناف انگشت‌شماری به صورت نقدی کار می‌کنند چون تمام معاملات بر پایه چک استوار است.

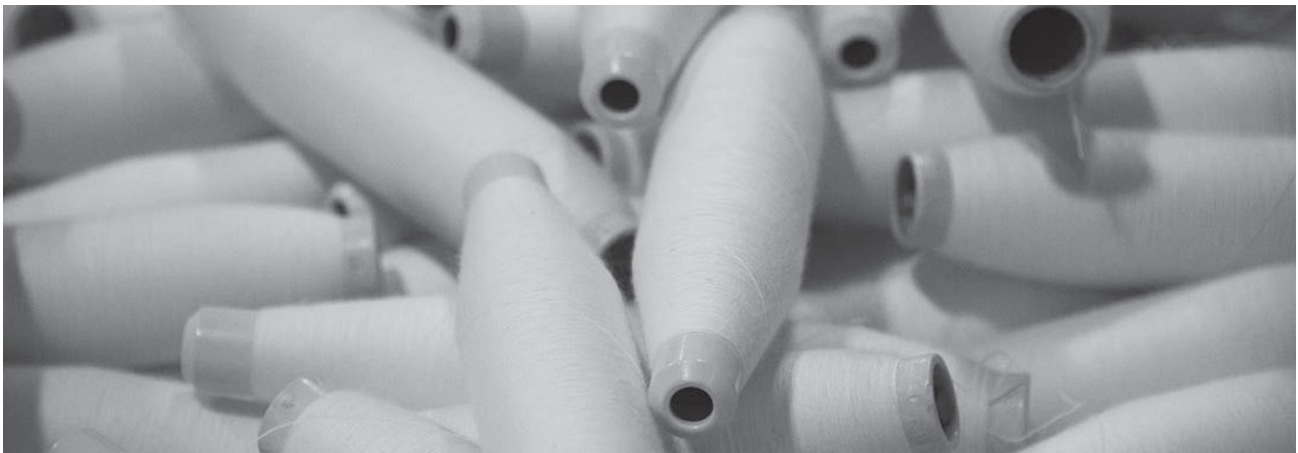
موضوع بعد این که متأسفانه در گمرکات با بدظله‌های روبرو هستیم. به این ترتیب که پارچه پنبه‌ای با کد پارچه پلی‌استر وارد کشور می‌شود و هیچ کارشناسی هم در گمرک وجود ندارد که تشخیص دهد پارچه وارداتی پنبه‌ای است نه پلی‌استر! به همین دلیل رقم واردات پارچه پلی‌استر در آمار و ارقام بسیار بالاتر از پارچه پنبه‌ای است ولی واقعیت چیز دیگری است.

۴ گفته می‌شود پنبه داخلی کفاف نیاز

صنعتگران نساجی را می‌دهد و نیاز به واردات بیشتر حالت توجیه و بهانه دارد تا دلیل منطقی... دیدگاه شما در این زمینه چیست؟

طی سال‌های اخیر با افزایش تعداد کارخانه‌های ریسندگی، میزان مصرف پنبه نیز بالا رفت اما زمانی که ازبکستان صادرات پنبه به ایران را متوقف کرد واحدهای ریسندگی با مشکلات جدی در زمینه خرید پنبه روبرو شدند.

فکر می‌کنم در حال حاضر میزان مصرف واقعی پنبه در کشور حدود ۲۳۰-۲۲۰ هزارتن است اما طبق آمار تقریبی، امسال تولید پنبه در بهترین حالت به ۷۰ هزارتن می‌رسد به عبارت دیگر با کسری ۱۷۰-۱۶۰



ماشین آلات خریدهایم اما نه خدمات پس از فروش و قطعه‌ای در اختیارمان قرار می‌دهند و نه پاسخگوی تلفن‌های ما هستند حتی می‌گویند به ما ایمیل هم ننزیند! پس بهتر است فعلاً به صورت توریستی به ایتما سری بزینم و برگردیم!

مدتی پیش ماشین ایندیگوی کارخانه که به نوعی قلب مجموعه محسوب می‌شود، به دلیل آسیب یکی از اینورتورها متوقف و ۷۰۰ نفر بیکار شدند. قطعه مورد نیاز را با صدها ترفند و تقبل هزینه‌های سنگین تهیه کردیم ولی با این روند چطور می‌توان به توسعه صنعتی یا نوسازی بازسازی خطوط تولید فکر کرد؟ بهتر است مانند کشورهای همسایه از توانمندی مشاوران معتبر بین‌المللی بهره‌مند شویم تا تولید و صنعت کشور احیا شود. در گام نخست باید فرهنگ کشور را اصلاح نماییم، درک صحیحی از مشکلات داشته باشیم و برای رفع آن از مشاوران توانمند کمک بگیریم

۴ و در زمینه صادرات؟

یک نمونه از پارچه جین تولیدی مجموعه را به ژاپن ارسال کرده‌ایم که مورد تأیید مشتری ژاپنی هم قرار گرفته ولی چون کشور سازنده ایران است، امکان صادرات وجود ندارد.

پارچه جین را به ترکیه-مهد پارچه و پوشاک جین-فرستاده‌ایم ولی کسی متوجه تفاوت میان پارچه جین ترکیه و ایران نشد! با اطمینان اعلام می‌کنم شلوارهایی که از پارچه جین ما تولید می‌شود کیفیت به مراتب بهتری از نمونه ترک دارند ولی قادر به صادرات نیستیم چون ترکیه برای حمایت از تولیدکننده

خود، تعرفه‌های بالایی را برای ورود کالا دیده است و صادرات به ترکیه تعرفه ۲۵ درصدی دارد.

۴ بسیاری از همکاران شما برای رونق صادرات و دور زدن تحریم، دفاتری در دوبی ترکیه و ... تأسیس کرده‌اند.

بله اکثر شرکت‌ها مجبور به انجام این روش شده‌اند. سوال بنده این است که چرا باید انقدر زجر بکشیم؟ چرا از خرید مواد اولیه در مشقت به سر می‌بریم تا فروش و صادرات و این رنج همراه همیشگی ماست؟! و خلاصه چرا اینقدر باید هزینه کنیم؟

سه سال پیش حدود ۴۰۰ هزار متر مربع زمین در سمنان با هدف احداث شهرک نساجی خریداری کردیم (متری ۱۴۸ هزار تومان) اما پس از مدتی زمین را به سازمان شهرک‌های صنعتی عودت دادم در حالی که امروز قیمت آن متری یک میلیون تومان شده است.

آمدگی راه‌اندازی شهرک صنعتی نساجی را دارم ولی هیچ امکاناتی در اختیارم نیست؛ در حالی که مدتی پیش از سوی وزارت صنعت تاجیکستان جهت احداث کارخانه ریسندگی دعوت به سرمایه‌گذاری و اختصاص زمین، آب، برق و گاز، معافیت‌های مالیاتی و سایر مشوق‌های دولتی شدم. باعث تأسف است از کشورهای دیگر دعوت به کارآفرینی و تولید می‌شویم ولی در وطن خودمان

۴ به تولید در تاجیکستان فکر نکردید؟

خیر... در تاجیکستان قدرت و کنترل در اختیار افراد معدودی است و نمی‌توانیم در این کشور کار کنیم.

البته چینی‌ها در این کشور حضور پر رنگی دارند چون دولت چین به دلیل وجود پنبه در این کشور اقدام به تأسیس کارخانه‌های ریسندگی کرده است و تولیدکننده بخش خصوصی را به سرمایه‌گذاری و تولید در تاجیکستان ترغیب کرده ولی چه مسئول یا سازمانی حامی منافع من تولیدکننده ایرانی در یک کشور دیگر است؟ هیچ‌کس! چرا در مملکت خودم نمی‌توانم به تولید و اشتغالزایی ادامه دهم؟ چرا تمام دوستان و اطرافیان در فکر مهاجرت و پناهندگی هستند؟

چندین بار با دانشگاه‌های معتبر کشور جهت معرفی نیرو مکاتباتی انجام دادم ولی به صراحت گفتند: «۸۰ درصد دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های ایران به فکر ماندن نیستند و مهاجرت می‌کنند» پس این مملکت را چه کسانی اداره خواهند کرد؟ چرا اجازه می‌دهند نخبگان و متخصصین کشور این چنین سهل و آسان کشور خود را ترک کنند یا سودای مهاجرت داشته باشند؟ نیروهای غیرمتخصص باقی می‌مانند که آنها هم انگیزه‌ای برای کار ندارند، فکر دریافت حقوق بیشتر هستند نه این که چه کاری انجام می‌دهند یا چه نقشی در رشد و توسعه کشور ایفای می‌کنند!

۴ مطلب پایانی

شیفته کارم هستم و تمام تلاش خود را برای رونق و پیشرفت به کار بستم ولی شرایط بسیار سخت و دشوار است و آستانه تحمل در حال اتمام... آرزویم تولید پارچه جینی است که مشتری ژاپنی در برابر کیفیت بسیار بالای آن سکوت کند.



نساجی؛ گزینه مطلوب برای سرمایه‌گذاری



گفت‌وگو با مهندس نیما اخوان - مدیرعامل شرکت پارسیان پلی تکس

تهیه و تنظیم: مینا بیانی

اشاره:

به اعتقاد مهندس اخوان، «بخش عمده‌ای از مدیران نساجی هنوز به آن مرحله از بلوغ فکری نرسیده‌اند که راه درستی برای رفع مشکلات از طریق اعتماد به دیگران پیدا کنند. در حوزه بافندگی، ریسندگی، رنگرزی و تکمیل مسیر رقابت را به اشتباه طی می‌کنند، هیچ‌گونه تحلیل منطقی و رای سرمایه‌گذاری‌های جدید آنها وجود ندارد، از مشاورین فنی مهندسی اقتصادی و سرمایه‌گذاری بهره نمی‌برند و فاقد طرح‌های اصولی توسعه‌ای بر پایه دانش هستند.» مدیرعامل پارسیان پلی تکس می‌افزاید: «ممکن است به دلیل تحریم‌ها توان خرید تکنولوژی‌های به‌روز را نداشته باشیم ولی در همین شرایط دشوار شرکت‌هایی وجود دارند که توانستند ماشین‌های جدید با صرف هزینه‌های سنگین، وارد کشور نمایند اما به نظر می‌رسد آسان‌ترین کار، خرید ماشین‌های دست دومی است که یا مشکل فنی دارند و یا کم‌عرض و یا از نظر تکنولوژیکی قدیمی و از دور خارج شده‌اند.»

«تحلیل کلی از وضعیت فعلی صنایع کشور برخلاف دیدگاه‌های دست‌اندرکاران صنعت، معتقدم صرف‌نظر از دو بخش تولید الیاف و همچنین فرش ماشینی، که در آن دارای مزیت رقابتی و مزیت نسبی هستیم، نساجی مزیت رقابتی پایین‌تری نسبت به سایر صنایع کشور دارد البته به این معنی نیست که امکان ارتقاء آن وجود ندارد بلکه می‌توان مزیت‌های رقابتی نساجی را افزایش داد مشروط بر این که مدیران و مالکین کارخانجات در راستای افزایش مزیت‌های رقابتی این صنعت تلاش کرده باشند ولی متأسفانه دست‌اندرکاران صنعت و اغلب مدیران واحدهای نساجی هنوز به این واقعیت پی نبرده‌اند که برای رشد و توسعه صنعت یا مجموعه تحت مدیریت خود باید تدابیری بیندیشند چون فعلاً نیازی از این بابت احساس نمی‌کنند زیرا که صنعت نساجی (و برخی صنایع دیگر) از رانت شرایط فعلی بهره‌مند می‌برند. به اعتقاد من تحریم‌ها برای صنعت نساجی بسیار مفید بوده چون اگر روزی شاهد رفع تحریم‌ها باشیم و به اصطلاح درب‌های کشور به روی ورود منسوجات

مختلف با کیفیت و ارزان باز شود، صنعت نساجی از نظر قیمت تمام شده و کیفیت و... توان رقابت نخواهد داشت و با بحران مواجه خواهد شد. در حال حاضر بیشتر مدیران ما در حال گذراندن شرایط فعلی هستند و کمتر مدبری را سراغ داریم که برای آینده و فعالیت در دوران پساتحریم برنامه‌ریزی کرده باشد. بعضی صنایع با تدوین استراتژی‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت به دقت می‌دانند که مثلاً تا ۴ سال آینده در چه جایگاهی قرار می‌گیرند در حالی که این دوراندیشی را در صنعت نساجی کمتر مشاهده می‌کنیم و شاخص‌های رقابت‌پذیری در صنعت نساجی در مقایسه با صنایع دیگر بسیار پایین است؛ تمام این موارد بیانگر نیاز مبرم صنعت نساجی به برنامه‌ریزی و کار جدی است. به طور کلی باید عنوان نمایم که نساجی صنعتی است که از دانش روز مدیریت بهره کمتری می‌برد و هنوز در این صنعت مشاوران مدیریت فعالیت خود را آغاز نکرده‌اند.